



## ناکامی گرجستان در اجلاس سران ناتو در ورشو؛ باخت رؤیای گرجی/مهدی حسینی تقی‌آباد

برگزار شدن بیست‌وهفتمین اجلاس سران ناتو در «ورشو» به طرز نمادین با فضای تقابلی حاکم بر مناسبات روسیه و غرب تقارن یافت. در این بین غضب سالخورده‌گان بجامانده از شوروی، که ایام جنگ سرد و کشمکش‌های «پیمان ورشو» و «سازمان ناتو» را به یاد دارند، کم‌تر از خشم ولادیمیر پوتین یا سرگئی شویگو از متن و حواشی این اجلاس نبود. اکنون و در حالی که ربع قرن پس از فروپاشی شوروی، کماکان بخش عمده‌ای از دستورکار ناتو متوجه پیشروی به سوی مرزهای روسیه است، جمهوری‌های اروپای شرقی و قفقاز به استثنای بلاروس یا به ناتو پیوسته‌اند یا در صف انتظارند و یا خواستار حمایت‌اند، بنابراین فارغ از تحلیل این اشتیاق و پیامدهای آن، میزان تحقق هر یک از اهداف فوق‌الذکر به محک تعیین برندگان و بازندگان اجلاس‌های ناتو تبدیل شده که از این منظر گرجستان به اتفاق اوکراین بازندگان اصلی اجلاس هجدهم و نوزدهم تیرماه بودند. دو کشوری که جان کری در راهش به مقصد ورشو در شانزدهم و هفدهم تیر 1395 سفری معنادار به آنها کرد. در این بین دولت «رؤیای گرجی» در حالی از تدارکاتش برای اجلاس اخیر طرفی برنیت که در ایام منتهی به انتخابات سرنوشت‌ساز پارلمانی، رقیب‌اش را از وضعیت پدیدآمده بسیار خرسند می‌بیند.

آران نیوز: در حالی که ارزیابی‌ها از پیش از برگزاری اجلاس سران ناتو در ورشو، چشم‌انداز نویدبخشی را برای گرجی‌های مشتاق پیوستن هر چه سریع‌تر به ناتو، ترسیم نمی‌کرد، وزارت خارجه گرجستان در 18 تیرماه با صدور بیانیه‌ای از مشارکت این کشور در تدارکات پذیرایی از چهار هزار و پانصد شرکت‌کننده در این گردهمایی سخن به میان آورد. ابتکار گشاده‌دستانه‌ای از منظر گرجی‌ها، که البته آن نیز در جهت تحقق آمل و انتظارات آنها موثر واقع نشد. اجلاسی که تیناتین خیداشلی، وزیر دفاع گرجستان پیش از برگزاری آن، معیار موفقیت هیأت گرجی را «دریافت امکانات و تضمین‌های عینی و بیشتر برای ارتقای توان پدافندی گرجستان» دانسته بود و البته بندهای مبهم و تکراری بیانیه‌ی کمیسیون «ناتو - گرجستان» در همان روز نخست اجلاس همین مطالبه‌ی حداقلی تفلیس را نیز محقق نساخت و گرجستان را به یکی از ناکامان اصلی تبدیل کرد: «برداشتن گام‌های جدید در جهت تعمیق همکاری‌هایمان، کمک به ارتقای قابلیت‌های دفاعی گرجستان و افزایش توانمندی‌های هماهنگی و انعطاف‌پذیری متقابل از زمره‌ی تصمیمات اخذ شده است. این ابتکار عمل‌ها شامل افزایش پشتیبانی‌های آموزشی و آموزشی نیروهای گرجستان به واسطه‌ی «صندوق پروژه اعتماد» و توسعه‌ی ارتباطات راهبردی می‌شود. اعضای ناتو از گرجستان برای تقویت نظارت دفاعی و هوایی کشور حمایت می‌کنند. همچنین به صورت متقابل برای اجرای برنامه‌ها جهت افزایش «توان پدافندی» گرجستان کمک خواهند کرد. ما همچنین تمرکز خود بر امنیت منطقه دریای سیاه را افزایش خواهیم داد.»

بدون شک بندهای بیانیه‌ی فوق برای گرجستان که نمی‌تواند جدایی قریب‌الوقوع اوستیای جنوبی و آبخازیا را بی‌ارتباط به قمار نافرمانش برای عضویت در ناتو بشمارد و به‌زعم بسیاری از تحلیلگران، همانند اوکراین زمین سوخته‌ی رویارویی ناتو و روسیه است و به نوبه‌ی خود در تلاش برای ثابت کردن برادری‌اش به ناتو و بازیگر کلیدی آن، ایالات متحده از هیچ تلاشی فروگذار نکرده است، مطلوب نیست. گرجستان از مرداد 1382 تا فراخواندن نیروهایش از عراق در مرداد 1387 در نتیجه‌ی وقوع درگیری با روسیه، 2300 نظامی را در قالب ائتلاف آمریکایی به عراق اعزام کرد که ضمن برجای گذاشتن 5 کشته، این کشور را به سومین مشارکت‌کننده در ائتلاف آمریکایی بدل نمود. عدم تحقق انتظارات دولت تفلیس از ناتو و ایالات متحده در خلال جنگ اوستیای جنوبی و آبخازیا، سبب تجدیدنظر تفلیس در رویکردهای همدلانه‌اش با ناتو و آمریکا نشد و دولت گرجستان از 1388 به این سو همکاری‌های نظامی‌اش را با ناتو در افغانستان افزایش داد، چنان‌که در میدان افغانستان نیز جایگاه سومی‌اش در عراق را تکرار نمود و اکنون بعد از ایالات متحده و آلمان با حدود 1000 نظامی در افغانستان حضوری پررنگ دارد و نیروهایش تاکنون متحمل 31 کشته، 35 قطع عضو و 435 زخمی شده‌اند.

البته همکاری‌های فوق‌الذکر و مشارکت‌های پیداپنهان تفلیس در اقدامات ایالات متحده و ناتو در قفقاز و حوزه‌ی دریای سیاه نیز سبب نشده که چشم‌انداز پیوستن تفلیس به ناتو به شرایط پیش از جنگ مرداد 1387 و قرارگیری گرجستان در آستانه‌ی ورود به ناتو در پی مصوبات اجلاس سران در بخارست در فروردین 1387 بازگردد. وضعیتی که بیش از آن‌که متأثر از عملکرد تفلیس باشد، محصول آرایه‌ی پیچیده‌ای از همکاری‌ها، رقابت‌ها و کشمکش‌های ایالات متحده و غرب با مسکو در پهنه‌ی گسترده‌ای از آسیای غربی تا مناطق پیرامون روسیه، موسوم به خارجه نزدیک این کشور بوده و به‌نوع موازنه‌ی قوای ناتو با روسیه و اولویت‌های ناتو در تقابل با مسکو و عبور از خطوط قرمز آن بازمی‌گردد. برآیند همین ملاحظات و محاسبات بود که به تمرکز اجلاس اخیر ناتو در تقابل‌هایش با مسکو بر کشورهای اروپای شرقی و بلاخص منطقه‌ی بالتیک و احتراز ناتو از پرداختن تحریک‌آمیز به حوزه‌های کشمکش با روسیه در اوکراین و گرجستان منتهی شد. به‌این‌گونه در نتیجه‌ی تصمیم ناتو مبنی بر استقرار دائمی دست‌کم 1000 نیروی چندملیتی آمریکایی، کانادایی، انگلیسی و آلمانی در استونی، لتوانیا، لیتوانی و لهستان، کشورهای مذکور به خواسته‌ی دست‌کم شش سال اخیر خویش رسیدند و مونتنگرو نیز با قرار گرفتن در آستانه‌ی عضویت در ناتو، به تعبیر غربی‌ها «بلیت طلایی امنیتی» را دریافت کرد و موعد خروج ناتو از افغانستان در سال 2017 نیز برای مدت نامعلومی به تعویق افتاد و تصمیم به تقویت حضور ناتو با شمار 13 هزار نفری نیرو در افغانستان گرفته شد و بودجه‌ی تخصیصی سالانه‌ی ناتو برای امنیت افغانستان نیز تمدید شد، به‌این‌گونه گرجستان و اوکراین که زخم‌خورده‌های کشمکش‌های ناتو و روسیه بودند، در خارج فهرست اولویت‌های ناتو در اجلاس ورشو قرار گرفتند.

البته شواهد حاکی از تلاش‌هایی در تفلیس برای ارائه طرح‌های ابتکاری جایگزین برای برداشتن گام‌هایی ولو کوچک به سمت ناتو بود. چنان‌که «بکا کریا» متخصص ارشد اداره‌ی سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های دفاعی وزارت دفاع گرجستان در آستانه‌ی برگزاری نشست ناتو نوشت با توجه به تنش‌های فزاینده‌ی روسیه و غرب، کشورهای ناتو احتمال دارد با امضای توافقنامه‌های شراکت ویژه با تفلیس و کی‌یف زمینه‌هایی را برای افزایش همکاری‌های نیروهای ناتو و این دو کشور در قالب «2+2» فراهم آورند که خود گامی مثبت ولو کوچک در مسیر الحاق این دو کشور به ناتو محسوب خواهد شد. اما همین انتظار گرجی‌ها نیز تحقق نیافت. نباید از خاطر برد که در اجلاس 1387 ناتو در بخارست، در پی توقف مخالفت‌های فرانسه و آلمان با تبدیل وضعیت گرجستان که ناشی از ملاحظه‌ی آنها نسبت به واکنش مسکو در قبال پیشرفت فرایند عضویت گرجستان در ناتو بود، این کشور با ورود به مرحله‌ی «برنامه اقدام به عضویت» در آستانه‌ی پیوستن به ناتو قرار گرفت و همین رویداد به یکی از مهم‌ترین دلایل وقوع جنگ در مرداد 1387 تبدیل شد. در ادامه نیز هرچند مرکل در جریان دیدار با پوتین پس از امضای توافقنامه‌ی آتش‌بس، خاطرنشان ساخت که وعده‌ی داده شده به گرجستان در بخارست به‌قوت خود باقی است، اما نه چارچوب زمانی‌ای برای این امر معین کرد و نه از پافشاری‌های پیشین آلمان و فرانسه مبنی بر پیش‌شرط حل مسائل و مناقشات داخلی گرجستان برای عضویت در ناتو، عقب‌نشینی کرد. نشانه‌ای که حاکی از عقب‌گرد شدیدی در مسیر عضویت گرجستان در ناتو بود. به‌این‌صورت اکنون و در آستانه هشتمین سالگرد جنگ آگوست، گرجستان روی کاغذ خود را در مرحله‌ی «برنامه اقدام مشارکت انفرادی با ناتو» در شرایط کمابیش مشابهی با قزاقستان، جمهوری آذربایجان و حتی متحد منطقه‌ای مسکو یعنی ارمنستان

می‌بیند، هرچند که در عمل در این گروه از کشورها، همکاری‌های اوکراین و گرجستان با ناتو در سطحی بالاتر است. در مجموع نتایج اجلاس اخیر ناتو حاکی از پیشروی و تعمیق حضور این سازمان در سه حوزه‌ی پیرامونی نفوذ شوروی یعنی بالکان، شرق اروپا و افغانستان است که در این بین گرجستان و اوکراین در اولویت قرار نگرفتند. البته تعمیق و تثبیت نفوذ و حضور در اوکراین و گرجستان از برنامه‌های مدون ناتو است که غربی‌ها از قبیل کشاکش‌های فرسایشی‌شان با روسیه و همچنین بهره‌گیری از بزنگاه‌های پیش‌رو با رعایت منافع راهبردی‌شان، انتظار تحقق آن‌را دارند. در این بین یکی از بازندگان اصلی این ماجرا حزب «رؤیای گرجی» بیدزینا ایوانیشویلی است که با وجود تداوم دادن به سیاست‌های الحاق یوروآتلانتیکی «جبهه متحد ملی» ساکاشویلی، اما هیچ‌گاه از منظر غربی‌ها به اندازه‌ی میخائیل ساکاشویلی که جدای از سوابق غربگرایانه‌اش در گرجستان، از بدو اعتراضات یورومیدان تا هم‌اینک در خدمت جبهه‌ی آنها در اوکراین است، مورد اعتماد قرار نگرفته است. می‌توان گفت با عنایت به انتخابات سرنوشت‌ساز پارلمانی پیش‌روی گرجستان در هفدهم مهرماه 1395، ناتو ضمن دریغ کردن برگ برنده‌ای ارزشمند از دولت «رؤیای گرجی» به تقویت غیرمستقیم «جبهه متحد ملی» پرداخت.

منبع: همشهری دیپلماتیک